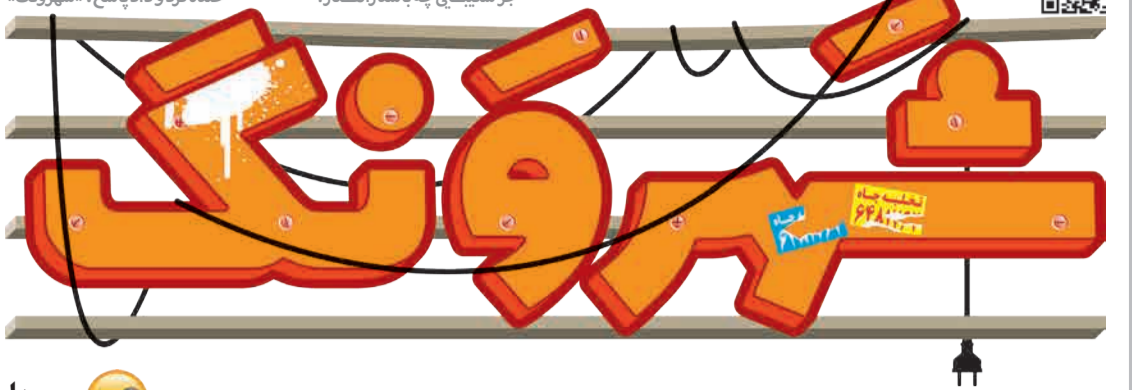


صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هشتصد و چهل و دوم

پیر را گفتیم: به ما شد عرصه تنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ
خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»



کچل کردن از خدمت سربازی حذف شد

سربازهای قدیم:

یادش بخیر، ما هم بین
نمره صفر و دو، حق انتخاب
داشتیم!

یک سرباز:

خب حالا
خامه‌ای بز نم
یا بو کسوری؟

شهاب نبوی

پر داخت وام خرید دو چرخه به خانواده‌ها

مردم: کمک هزینه خرید سیب زمینی نمیدید؟

یک شهر وند: یادش بخیر، قبلا فقط واسه خونه دار شدن وام می گرفتیم!

یک راننده تاکسی اینتر نئی: پس من دیگه به کی گیر بدم؟! ◀ بقالی محل: تسهیلات وام رُب و تخم مرغ با کم ترین میزان بهره! ◀ متروی تهران: از ارباب بلیت مترو بدون داشتن ضامن معتبر معذوریم!

الاغ: کم کم ارج و قرب گذشته‌ام را به دست خواهیم آورد!

#دوچرخه هم دیگه نمیتونیم بخریم #پیاده برو باهات باز شه #شهر ونگ



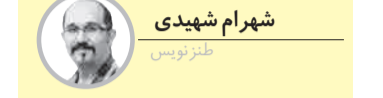
نازنین جمشیدی | کارتون‌نویس | nana.jamshidi@gmail.com

تماشاخانه



شبه‌گردی

پرواز قطارها!



شهرام شهیدی
طنز نویس

خانم باجی مدام در یکی از اتاق‌ها را می‌زد و می‌گفت: «د میگم باز کن، چه غلطی می‌کنی اونجا؟» روح آقا جان گفت: «غلط نکنم باید بر گردم به تنظیمات کارخانه‌ها و دیوار بروم تو، حتما بساط سروساز به راه است و تک خوری می‌کند.»

خانم باجی گفت: «همه هم تو بروند، شما یک پایت‌رامی گیری بالا و همینجای مونی.»

بالاخره لای در باز شد و گولاح خان سرش را آورد بیرون، پرسید: «چیزی شده؟» خانم باجی گفت: «از من می‌پرسی؟ من باید از تو بپرسم چرا ساعت هاست رفته‌ای توی اتاق و در را پشت سر خودت بسته‌ای. مرد حسایی اگر کسی تو هست بگو باید بروی کارش. اگر منقلی چیزی داخل هست جمع کن زودتر اگر...»

گولاح خان گفت: «هیچ خبری نیست.» خانم باجی گفت: «فلان فلان شده من خودم از لای در دارم ظرف چیپس و ماست را می‌بینم، بعد میگی چیزی نیست؟»

گولاح خان گفت: «خوردن چیپس و ماست که ایراد نداره، من نشسته‌ام در اتاق و مشغول انجام یک کار فرهنگی هستم.»

روح آقا جان گفت: «ای به قربون فرهنگ و هنرت، من می‌فهمم کار فرهنگی اون هم با چیپس و ماست چقدر خوبه، میشه من هم در این نبرد فرهنگی شرکت کنم؟»

گولاح خان گفت: «مشکلی نیست، اگر گاندو می‌بینی بیا تو باهام.»

خانم باجی گفت: «فهمیدم چی شد چی شد؟ مگر گاندو حیوان خونگی است؟ من خودم به عنوان حامی محیط‌زیست باید با این حیوان دوستی‌های خاله‌خرسانه مقابله کنم، نسل تمساح پوزه کوتاه در حال انقراض است، آن وقت شما برداشتی آوردیش توی اتاق و تازه به جای گوشت، چیپس و ماست به خورد بینوا می‌دهی؟ الان بساطت را جمع می‌کنم.»

گولاح خان گفت: «تمساحم کجا بود؟ من الان در تامين گوشت خودم مانده‌ام، مثل این باغ و وحش‌های ایران هم نیستیم که به جای گوشت، آبدوغ خیار بدهم به این گوشته‌خواران بینوا. من نشسته‌ام میرال گاندومی بینم.»

صدای ناشناسی گفت: «دیگه بدتر.»

روح آقا جان گفت: «وای... سا خودت این کار را نکن، این سریال را حتی چیپس و ماست هم نمی‌شوره بهره، باید قشنگ محفلی باشه، سازی باشه، ساقی و سیمین برو.»

خانم باجی گفت: «بعدها حساب تو یکی جداگانه و مشخصا رسیدگی می‌کنم، ساقی و سازی نشانت بدهم که مرغان هوا به حالت گریه کنند.»

عموجان گفت: «حالا از موضوع این حیوان دور نشویم، آخه گاندوی بخت‌برگشته چه گناهی کرده که اسمش را گذاشته‌اند روی این سریال؟ خب سریال می‌سازید بسازید، با اسم جک و جانور هاجه کار دارید؟»

گولاح خان گفت: «چرا؟ سریال به این خوبی، اصلا شما یک قسمتش را هم دیده‌ای؟»

عموجان جواب داد: «وقتی همه از جمله دولت به این سریال نقد دارند و وقتی به وزارت خارجه اینجوری نگاه می‌کنه یعنی...»

گولاح خان گفت: «تخیر، به حرف بقیه چه کار دارید، حالا ممکن است اشکالاتی هم...»

صدای ناشناسی گفت: «یکی از نویسندگان اروپایی به یک عضو قدیمی یکی از احزاب آن کشور گفت: «حتما این سرود حزبتان را به خاطر داری که «قطار ما، به سوی آینده پرواز می‌کند / ایستگاه بعدی...» می‌دانی اشکال این سرود حزبتان چه بود؟» آن عضو قدیمی حزب گفت: «اشکالی در این سرود نمی‌بینم، نویسنده جواب داد: «اشکال این جاست که حزبتان به مردم دروغ گفت، قطارها که پرواز نمی‌کنند!»

شهر زیبا



دردبی پولی | احسام حیدری | بی پولی هم مثل همه فرآیندهای دنیا یک سلسله مراتب و گام‌هایی دارد. به عنوان یک متخصص بی پولی، این مراحل را خدمت شما توضیح می‌دهم.

گام اول: تلاش بیشتر

در این مرحله شما حس می‌کنید که بی پولی شده‌اید ولی دلیلش را کم کاری و تلاش نکردن خودتان می‌دانید، به همین دلیل شروع می‌کنید به کار و کوشش بیشتر. صبح‌ها زودتر سر کار حاضر می‌شوید و سعی می‌کنید کارتان را به نحو بهتری انجام دهید تا این که باتان می‌افتد کارمند هستید و حقوق ثابتی می‌گیرید و تلاش بیشتر تأثیری روی هیچ چیزتان ندارد.

گام دوم: شغل دوم و سوم

انتخاب شغل دوم و سوم قدم بعدی است، تاکسی اینترنتی‌ها

معمولا اولین گزینه برای شغل دوم هستند ولی خب شما حتی ماشین هم ندارید، به این فکر می‌کنید که از مهارت‌های تان استفاده کنید و کالاهای هنری در دست کنید و در اینستاگرام بفروشید ولی با کمی تحقیق متوجه می‌شوید رقیب این قضایه هم درآمده و کلا همه دارند یک چیزی تو اینستاگرام می‌فروشند، فکر بکری به سر تان می‌زند: بزنی تو کار طنز و چند تا دلبس‌شم ضبط می‌کنید ولی فالوورها به قدر کافی کامنت نمی‌گذارند و انرژی نمی‌دهند؛ پس پولی از توی این ماجرا هم در نمی‌آید.

گام سوم: انکار

در مرحله بعدی شما سعی می‌کنید بی پولی خود را منکر شده و به خودتان القا کنید «مشکلی پیش نیومده» و «این روزها وضع همه همینه» و به این ترتیب خود را آرام کنید. سرخ کردن صورت

خود با سبیلی کار دیگری است که در این مرحله انجام می‌شود. **گام چهارم: افسردگی**

از آنجایی که هیچ کدام از کارهای مراحل قبل مفید نبوده؛ در این مرحله شما دچار افسردگی شدید شده و بی حال می‌شوید، هر روز اخبار اختلاس‌ها و دزدی‌ها را چک کرده و در ذهن‌تان صفر هایش را می‌شمارید، ماشین‌های گرانیقیمت تو خیابان را نگاه می‌کنید و آه می‌کشید، کم کم اطرافیان هم به بی پولی شما پی برده و دیگر مثل قبل تحویل تان نمی‌گیرند، صاحبخانه هر روز بهتان چشم‌غره می‌رود و روز شماری می‌کند تا سر سال اجاره برسد و پرت تان کند بیرون. در این مرحله شما با واقعیت زندگی روبرو شده و می‌فهمید که به در لای جز دیوار هم نمی‌خورید.

گام پنجم: زود دادگی

آخرین مرحله از فرآیند بی پولی زود دادگی است. در این مرحله

بی پولی به حد اعلا خود رسیده و سر تا پای شما را اجراحت داده است. صاحبخانه جواب تان کرده و دندان تان به عصب رسیده، تو یخچال تان پر زنده پر نمی‌زند و مخابرات تلفن تان را یک طرفه کرده است. در این مرحله شما به هیچ کدام از اتفاقات پیرامون تان توجهی ندارید، شما به معنی واقعی کلمه شل کرده‌اید و دارید لذت‌ش را می‌برید، برای خودتان ول می‌چرخید و الکی می‌خندید، گاهی به سقف خیره می‌شوید و کلمات نامفهومی ادا می‌کنید، شعر گفتن و متن طنز نوشتن مهمترین توانایی‌هایی است که در این مرحله در وجود افراد رشد می‌کند، اگر به این مرحله رسیده‌اید، به شما تبریک می‌گوییم، شما یک بی پول واقعی هستید، متأسفانه هیچ راه درمانی برای شما وجود ندارد، فقط باید سر تان را بگذارید زمین و کمی استراحت کنید.